یادداشت

سخنی با استقلال

ادامه از صفحه ۱۴

این همه ریخت‌وپاش می کنید برای رقابت با تیم الحسین و المحرق در لیگ سطح دوم اسیا؟! اگر پول دارید، چرا چمن ورزشگاهی را که در آن میزبان هستید، درست نمی کنید؟

بهشت خارجی‌ها

خطاب این بحث، بقیه باشگاه‌ها هم هستند. چرا اینجا را تبدیل کرده‌اید به بهشت بازیکنان درجه هشتم و یازدهم خارجی؟ هیچ‌جا اندازه شما به آنها پول نمی‌دهند. همین مهدی طارمی ۳میلیون یورو در سال از اینترمیلان می گرفت که ۴۰درصدش می‌رفت برای مالیات. اینجا بدون صفر ریال مالیات، پول پارو می کنند. تازه، او مهدی طارمی بود. کدام بازیکنان خارجی شاغل در ایران در اندازه او هستند؟

همه مهاجمان جهان

استقلال در چند فصل اخیر هزاران مهاجم خرید؛ در حالی که با همه مربیانش نظیر نکونام، فرهاد مجیدی، موسیمانه، سهراب بختیاری‌زاده و... همواره فوتبالی کم‌رونی و واکنشی را ارائه کرده است. حتی در جام بدون شکستی که به‌دست آوردند، حداقل موفقیت خلق کردند. عادت این چند فصل اخیر استقلال این است که برای کسب پنالتی تلاش کنند یا از روی سانتر و کرنر و توپ‌های سوم به گل برسند. حتب، این کار هرا را همان آرمان رمضانی هم می‌شد انجام داد. از آن استقلال هجومی، خیلی وقت است خبری نیست. اما باز هم مهاجم می‌خرند. در ۳ماه پایانی فصل پیش هفته‌ای یک مهاجم خارجی رونمایی می کردند و برای اکثر آنها هم پول رضایتنامه می‌دهند. امسال هم برای بازیکنی مثل سحرخیران ۲میلیون یورو پول رضایتنامه دادهاند که بعید است ارزشش را داشته باشد.

کانون مدافعان وسط

چرا این همه دفاع وسط می‌خرید؟ برای جذب سامان فلاح ۳سال پیش معادل ریالی یک میلیون دلار به بیکان پرداخت شد. او کجاست؟ چرا با وجود این همه مدافع وسط در دو سه فصل اخیر، هنوز هم روزبه چشمی باید در بست غیرتخصصی بازی کند؟ چرا هنوز کسی نتوانسته جای بازیکن متوسطی مثل آرمین سیه‌رایی را بگیرد؟ چرا یک مدافع راست در ترکیب دفاع ۳نفره قرار می‌گیرد؟ عارف غلامی براساس چه نیازی و روی چه حسابی جذب شد و قرار است کجا بازی کند؟

شورش بی‌دلیل

حرف از روزنه چشمی شد؛ چرا ایندفر خشم داری مرد حسابی؟ چرا با هر سوت داور، بدو بدو می‌روی سمتش و اعتراض می کنی؟ چرا مدام بازیکن حریف را هول می‌دهی و یا او دهان به دهان می‌شوی؟ چرا رام و قرار ندارد؟ تعصب این شکلی نیست. محکم بازی کردن و تعصب تیم را کشیدن با این چیزها فرق دارد. رئال مادرید در فصل گذشته یک پدیده اجباری و از سر ناچار رو کرد به نام رائول آنسیو. آنقدر خوب بود که به لوقب سرخیو راموس جدید را دادند. همین لقب فوتبالش را نابود کرد. او به‌خودش تلقین کرده بود که باید مثل سرخیو راموس متعصب بازی کند و اگر با بازیکن رد شد، نگذارد توپ رد شود. این شد که برای دوربین و جایگاه تیفوسی‌ها بازی کرد. از عمد بازیکن حریف را می‌زد و یا آنها درگیر می‌شد. الان کجاست؟ روی سکو و نیمکت رئال دارد درس عبرت می‌گیرد.

جمع‌بندی هفته اول

تراکتور همچنان مدعی اصلی قهرمانی است. استقلال به‌خاطر عدم ترکیبش و برخوردارای از ۲ تا ۳بازیکن در هر پست، مدعی قهرمانی است. اگر شهوت خرید بازیکن بیشتر و نارضایتی بازیکنانی که بازی نمی کنند و اخلاق تند سرمربی پرتغالی‌اش و فشار همیشگی هواداران اجازه بدهند. سپاهان و پرسپولیس باید برای رده سوم مبارزه و احتمالا با فولاد رقابت کنند. البته کتاب را از روی جلدش و لیگ را از روی هفته اول نمی‌شود قضاوت کرد.

چهره روز

این کابوس کی تمام می‌شود؟

در طول هفته‌های گذشته بارها در مورد شرایط نامطلوب مهدی طارمی در اینتر صحبت شده و همه می‌دانند که او دیگر جایی بین بازیکنان ترازوی نخواهد داشت. با این حال کنار شدن تعیین تکلیف طارمی، شرایط بسیار بدی را به‌وجود آورده. اخرین خبر در مورد طارمی که شاید آزاردهنده‌ترین آنها هم بوده باشد این است که مهاجم ایرانی پس از پیوستن به آردوی ایو و مشکی‌پوشان به تیم زیر ۳۲سالها تبعید شده و قرار است تا زمان انتخاب باشگاه جدیدش، اینجا به‌کار ادامه بدهد. موقعیت طارمی امروز به کلی متفاوت از چندماه پیش است؛ زمانی که او در دیدار برگشت نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا پاس گل صعود اینتر را برابر بارسلونا ارسال کرد و تبدیل به قهرمان تیم شد. در هر صورت امیدواریم این کابوس هر چه سریع‌تر به پایان برسد و طارمی به شکلی آبرومندانه به تیم جدیدش منتقل شود.

تراکتور هرچه دفاع راست از پرسپولیس بوده را جمع کرده؛ دانیال اسماعیلی‌فر، مهدی شیری، صادق محرمی و فرشاد فرجی. ۳تای اول این فهرست در بازی مدعیان تراکتور با رقیب نخست لیگ مقابل استقلال در دقایقی همزمان در میدان بودند. فقط فرشاد فرجی فرصت بازی پیدا نکرد. آیا یعقوب براجعه در تیم‌فصل تراکتوری می‌شود؟ حیف که نعیم سعداوی فوتبالش تمام شد!

با اسکن این کیوآرکد فیلم کامل این گفت‌وگو را تماشا کنید.

برای ایران می‌جنگیم

روبر تو پیاتزای ایتالیایی، سرمربی تیم ملی والیبال ایران که بار دیگر نگاه‌ها را به این رشته تغییر داده، در گفت و گوی اختصاصی با تلویزیون همشهری از حضورش در تهران پس از جنگ می گوید

بازی را هم امیابه برایشان در آورد و گرنه او بینیسویی آبی گرم نمی‌شود. وقتی بعد از آنکه حقش خورده شد کارو تعرین می کند تا بهتر شود، اما او از خط گذشته ۱۰برابر بد تر شده است. رودر نگو هم که فعلا مغضوب است. تنها دلخوشی رئالی‌ها این است که هلوس و کارلاس در خط دفاع توانسته‌اند دیگرانی‌ها را کم کنند و سلیتاتو هم از دومین مصدومیت پارگی رباط صلیبی‌اش سرحال برگشته. ماستانتونو، خرید گران قیمت جدید آرژانتینی رئال هم نخستین بازی‌اش را انتخاب داد و سیرای دقایقی دل هواداران را برد.

مصایب رئال و بارسا بودن

تیم‌های لالیگایی با ۱۱مدافع می آیند

چرا کیفیت لالیگا به لیگ برتر نمی‌رسد در حالی که آنها رئال مادرید، بارسلونا، اتلتیکو و حتی سویا و ویارئال و قهرمانان لیگ اروپا را دارند؟ دلایل زیادی دارد؛ تفاوت رقم حق پخش تلویزیونی بین ۲لیگ، تفاوت کیفیت فیلمبرداری مسابقات و تورپردازی ورزشگاه‌ها، میل ستاره‌ها به حضور در لیگ برتر، طرفداران زیاد در جهان و به‌ویژه در شرق آسیا و... از همه مهم‌تر اینکه باشگاه‌های اسپانیایی برخلاف همتاهای انگلیسی خود حق خرج کردن پول را ندارند. قوانین لالیگا سختگیرانه است. اگر چلسی، منچستریسیتی، ارسنال، منچستریونایتد، تاتنهام و دیگران در اسپانیا بودند، همگی از خرید یا ثبت قرارداد بازیکنان جدید خود محروم می‌شوند. اگر کدام بازیکنان جدید خود محروم می‌شوند. من نمی‌دانم که شما آیا دقیقا تفاوت بین رو یا و هدف را می‌دانید؟ موقعی که نخستین بار اینجا آمدم گفتم یک رویا دارم و این درست نیست و الان می گویم من یک هدف دارم. تفاوت رویا و هدف را زمان مشخص می کند. شما باید یک زمان را برای خود تان در نظر بگیرید و برای رسیدن به هدفی که داشته‌اید تلاش کنید. زمان رسیدن به هدف ۲۰۲۸است؛ نه دیرتر. من سعی می کنم با بازیکنان بهترین کار را انجام بدهم تا به این هدف برسیم. رویا برای ما تمام شده و فقط وقتی در تخته‌خواب هستم به رویاها یمان فکر می کنم. ولی آنجا هیچ اتفاقی نمی‌افتد؛ فقط هدف، هدف، هدف و هدف مهم است.

اهل دنیای مجازی نیستم

چند وبدنو از من وایرال شده و من فقط یکی را دیده‌ام؛ همانی که بعد از بازی با لهستان پخش شد. بازی بعدی ما با چین بود و در مسیر سالن هم به تل‌ به ذهنم رسید که باید چند حرکت را ببینم و به بازیکنان بگویم، ولی ویدئوهای بعدی را ندیدم. من کلا آدم فضای مجازی نیستم. در اینستاگرام نیستم و نخواهم بود. زندگی واقعی من در زمین، باشگاه و سالن مسابقات است. من دوستان کمی دارم، ولی دوستانم واقعی هستند و اگر امروز اینجا برای من اتفاقی بیفتد، مطمئنم همان روز ۱۰نفر از آنها اینجا حاضر می‌شوند. ۲نفر از این دوستانم یارما زندگی می کنند؛ یکی بیرون یارما و یکی از آنها هم در آمریکاست. ارتباط بدیاواقعی باشد نه روی موبایل و نه در فضای مجازی.

نیما مثل یاکوخانوفسکی

توماس تونولو، دستیار من که قبلا هم ایران بوده، به من گفت باید نیما باطنی را ببینی. من به او خیلی اطمینان دارم و به‌خاطر همین با این بازیکن تماس گرفتم. نیما یک استعداد خوب است. او قد بلندی دارد و بین بازیکنانی که در والیبال ایران هستند، از نظر دفاعی بهترین است. او واقعا از نظر دفاعی بازیکن بااستعدادی است. اگر بخواهم قابلیت‌هایی را که نیما در دفاع دارد، فقط با یک بازیکن در جهان مقایسه کنم، آن بازیکن یاکوب کوخانوفسکی، کاپیتان تیم ملی لهستان است. (این بازیکن در لیگ ملت‌های ۲۰۲۵ ارزشمندترین بازیکن رقابت‌ها شد). این دوفقط یک تفاوت دارند؛ اینکه کوخانوفسکی مثل باطنی قد بلندی ندارد. معمولا آنهایی که قد بلندی دارند، مثل آنهایی که کوتاه‌تر هستند، سریع نیستند، ولی نیما واقعا سریع است. او چشم‌های خوبی دارد؛ چشم‌های خوب یعنی خیلی خوب می تواند آن طرف تور را ببیند، می‌داند کجا باید بایستد و.... در تیم‌های زیر ۱۹سال سرعت توپ و سرعت بازیکنان در حمله، سرویس و حتی پاس با تیم‌های بزرگسالان تفاوت زیادی دارد. ترجیح ما این است که باطنی در تمرینات کنار تیم ملی باشد تا بتوانیم این فاصله را از بین ببریم. این حرف‌ها به این معنا نیست که او دقیقا یکی مثل کوخانوفسکی می‌شود؛ البته شاید بهتر هم شود، من نمی‌دانم و دوست ندارم بگویم ان‌شاءالله که می‌شود، اما نمیبایاید از نظر ذهنی روی خودش کار کند. خود او است که باید کار کند و باید خیلی هم سنگین کار کند. بعد از آن می تواند همه‌چیز را به‌دست بیاورد.

آلمپیک؛ هدف نه رویا

در حال حاضر ما هیچ‌شانسی برای حضور در بازی‌های المپیک ۲۰۲۸ ندارد یم؛ چون در تیه ۱۳جهانی هستیم. ما نسبت به قبل ۲پله بالا آمده‌ایم و این نشان می‌دهد روزبه‌روز باید کار کنیم و جلو برویم. هدف من این است که تیم را به المپیک ۲۰۲۸ ببرم. من نمی‌دانم که شما آیا دقیقا تفاوت بین رو یا و هدف را می‌دانید؟ موقعی که نخستین بار اینجا آمدم گفتم یک رویا دارم و این درست نیست و الان می گویم من یک هدف دارم. تفاوت رویا و هدف را زمان مشخص می کند. شما باید یک زمان را برای خود تان در نظر بگیرید و برای رسیدن به هدفی که داشته‌اید تلاش کنید. زمان رسیدن به هدف ۲۰۲۸است؛ نه دیرتر. من سعی می کنم با بازیکنان بهترین کار را انجام بدهم تا به این هدف برسیم. رویا برای ما تمام شده و فقط وقتی در تختخواب هستم به رویاها یمان فکر می کنم. ولی آنجا هیچ اتفاقی نمی‌افتد؛ فقط هدف، هدف، هدف و هدف مهم است.

کار خاصی می‌کنیم

نسل فعلی بازیکنان والیبال ایران می‌تواند به نسل قبلی نزدیک شود و حتی جلوتر هم برود، ولی ما باید خیلی کار کنیم و ساختاری را که برای رشد دادن بازیکنان نیاز داریم، جابه‌جا بزنیم. احساس من این است که ما می‌توانیم کار خاصی انجام بدهیم و این بحث‌ها خیلی این است که ایران بازیکنان و استعدادهای والیبالی خیلی خوبی دارد. واقعا استعدادهای خاص و خوبی در ایران هست. حتی که روزهای اول داشتم و الان هم دارم، این است که مربی به تنهایی کافی نیست. اگر می‌خواهی قابلیت‌ها را در آینده رشد بدهی، باید بدانی چه تاریخچه‌ای داری، در تاریخ خودت ببینی چه اشتباهاتی داشته‌ای و برای بهتر شدن جلوی آن اشتباهات را بگیری.

کدام نسل طلایی؟

نسل طلایی بازیکنان والیبال ایران بوده است. مطمئنا نسل طلایی یک چیزی را می‌خواسته که شده نسل طلایی، اما باید بگویم این نسل چیز خاصی هم به‌دست نیاورده است. پس چرا باید اسمش نسل طلایی باشد؟ برای شما مثالی می‌زنم؛ مادر ایتالیا به بازیکنانی نسل طلایی می گوییم که ۳دوره قهرمان جهان شده‌اند. (اوایل دهه ۹۰ میلادی) لیگ‌های زیادی را برده‌اند و قهرمانی‌های اروپایی متعددی داشته‌اند. الان متوجه نمی‌شوم چرا به بازیکنانی که قبلا در تیم ملی ایران بوده‌اند، نسل طلایی می‌گویند. درست است که آنها را بازیکنانی بوده‌اند که خودشان را به تیم‌های رده بالای والیبال جهان نزدیک‌تر کرده‌اند و توانسته‌اند فضایی را ایجاد کنند که هواداران بیشتر والیبال را دنبال کنند و بیشتر از آن لذت ببرند و از این نظر اسم نسل طلایی را برای آنها قبول دارم، اما خود آنها هم می‌دانند قبل از همه خلیو و لاسکو بود که والیبال ایران را جلو برد و اونشان داد که می‌تواند مقابل همه تیم‌های جهان بازی کند و رقابت خیلی نزدیکی با آنها داشته باشد. در بازی‌ای که ایتالیا - برزیل در خانه به ایران باخت، خیلی هواداران ایرانی در ورزشگاه حضور داشتند، آن لحظه متوجه شدم که یک تحرکی در والیبال ایران آغاز شده است.

دشمن به ما حمله کرد...

در بازی با آمریکا بود که متوجه شدیم، اسرائیل به ما حمله کرده است. آن لحظه من به این فکر می کردم که بازیکنان من چطور می خواهند زمین را ترک کنند یا اعضای کادر چطور می خواهند با این موضوع کنار بیایند. در آن دقایق به بازیکنان و مربیان تیم حریف نگاه کردم و دیدم که آنها در آن موقعیت چطور ما را بررسی می کنند. قبل از بازی، طرفداران تیم حریف که داخل زمین بودند، پرچم آمریکا و اسرائیل را کنار هم قرار داده بودند. آن لحظه دلیل این کار را نمی‌دانستم، دقیقا بعد از بازی متوجه شدم که چرا آن پرچم‌ها کنار هم بودند. در آن موقعیت تنها کاری که انجام دادم، این بود که همزمان از قلب و مغزم استفاده کنم. بازیکنان ما در آن شرایط رفتار فوق‌العاده‌ای داشتند. آنها پذیرفتند که چه اتفاقی افتاده و تلاش کردند درست فکر کنند. در آن موقعیت یاد جنگ ایران و عراق افتادم که در دوران جوانی از طریق تلویزیون پیگیرش بودم. تنها چیزی که می توانستم به بازیکنانم بگویم این بود که خودشان را کنترل کنند تا بتوانند درست فکر کنند. آنها درد خانواده و دوستانشان در ایران را داشتند.

حسم گفت برگرد

چرا به ایران برگشتم؟ اول باید بگویم که من دیوانه نیستم. من همیشه با سرپرست تیم و رئیس فدراسیون در ارتباط هستم و اگر آنها به من اطمینان دهند که می توانم در ایران بمانم، پس پیام این است که ما می توانیم همین جا باشیم و از این کشور لذت ببریم؛ البته در ایتالیا مادرم و دوستم به من گفتند: مطمئنی می خواهی بروی آنجا؟ گفتم: بله، نه فقط چون آن کار من است؛ چون قبل از هر چیزی این حس من است که می گوید باید آنجا باشم. اگر بازیکنان من آماده جنگیدن هستند، من هم در کنار آنها می جنگم.

دوست دارم خوشحال باشم

من خوش‌شانس هستم؛ چون با حسم کار می کنم. اگر کسی از من بپرسد دوست داری چه کاری انجام بدهی، می گویم فقط دوست دارم مربی والیبال باشم. اصلا مهم نیست کجا هستم. من کاری را کرده‌ام که می‌خواهم انجام می‌دهم و خوشحالم و اینکه دوست دارم هر روز خوشحال باشم؛ چرا باید عصبانی باشم، مقابل چی و کی؟ حتی لیوانی که پر نیست، همیشه برای من کامل است و هیچ‌وقت به خالی بودن آن نگاه نمی کنم. رابطه من با بازیکنان چیزی است که با هم می توانیم شکل بدهیم. من یک معلم نیستم. یک استاد نیستم. من فقط مترجم والیبال هستم که اطلاعات را به بازیکنان می‌رسانم و زبان بین‌المللی والیبال را به آنها یاد می‌دهم. بازیکنان لحظه به لحظه متوجه حرف‌های من می‌شوند و در این موقعیت‌هاست که روابط را شکل می‌دهیم. همه برای تیم خیلی مهم هستند؛ به‌خصوص به دوستانمان. او برای تیم ما خیلی مهم است و برای من خیلی درد ناک بود که بر دیار ا کنار گذاریم. او کل تابستان کار فوق‌العاده‌ای کرد و مطمئنم که دوباره به تیم برمی گردد و شاید نخستین بازیکن باشد. ولی برای مسابقات جهانی باید ۱۴بازیکن انتخاب می‌کردم. اگر می‌خواهید رابطه من با بازیکنان را بدانید بهتر است از آنها بپرسید نه از من.

فهمیدند چه می‌خواهم

ما در VNL خوب کار کردیم؛ البته در هفته اول می توانستیم خیلی بهتر باشیم، ولی نبودیم. واقعیت این است که بازیکنان ما نیاز به زمان داشتند تا بیشتر همدیگر را بشناسند، ولی خیلی سریع (بازی اول هفته اول) با برزیل، قوی‌ترین تیم جهان بازی کردیم. در آن شرایط ما ۱۰۰درصد آماده نبودیم و نتوانستیم مثل ۲هفته بعد مقابل تیم‌های دیگر خودمان را نشان بدهیم. سیستمی که من به‌عنوان مربی استفاده می کنم، همان سیستمی است که همه مربیان در دنیا استفاده می کنند. اتفاق خوب این بود که بازیکنان خیلی خوب متوجه شدند که من چه چیزی از آنها می‌خواهم و باید در سطح بین‌المللی به والیبال نگاه کنند. من از نظر ذهنی روی آنها کار کردم. همه بازیکنان ما جنگنده هستند و من تلاش کردم بهترین خودم را برایشان بگذارم و آنها در زمین آزاد و راحت باشند. در این شرایط اگر بازیکنان بتوانند با هم ارتباط پیدا کنند، قدرت تیم خیلی بالا می‌رود.

هواداران برزیلی خبر جنگ را دادند

این برای من کمی سخت است که بگویم جنگ روی نتایج بازی‌های ما تأثیر داشت یا نه؟ فقط می توانم بگویم در آن لحظات حس بازیکنان را درک می کردم؛ اینکه چه واکنشی به این موضوع داشتند و یا چه شرایطی زمین بازی را ترک کردند. واقعیت این است که یکی از هواداران برزیل پیام جنگ را به من داد. یادم هست که استوارت (مربی بدنسازی) به شانه من زد و گفت آن مرد می خواهد پیامی را به شما بدهد. آن پیام، همان پیامی بود که همه دیدند و شنیدند و آن لحظه برای من فقط یک چیز معنا داشت؛ اینکه چه لزومی است که جنگ رخ بدهد؟ مهم نیست این جنگ کجا باشد؛ مهم این است که چرا باید جنگ کنیم؟ ورزش کاملا مقابل جنگ قرار دارد؛ به‌خصوص رشته ورزشی ما که بازیکنان با یک توپ از هم جدا شده‌اند و آخر بازی هم دست یکدیگر را می‌فشارند.

دستم را برای ایران روی آتش می گذارم

رؤیا نه؛ هدف داریم

بازیکنان می خواهند برای مردم بجنگند

حسم گفت به ایران برو

از هواداران می خواهم ما را حمایت کنند؛ حتی موقعی که خیلی خوب بازی نمی‌کنیم؛ به‌خاطر اینکه ما حضور دستانم را روی آتش بگذارم (نوعی قسم) و با اطمینان بگویم تیم ما هر لحظه و برای هر بازی می جنگد و تا موقعی که من هستم تیم این حس جنگندگی را دارد و ما سعی می کنیم در رده‌بندی جهانی به سطح بالاتر برسیم. هواداران مطمئن باشند که بازیکنان می‌خواهند برای مردم ایران بجنگند و این موضوع خاصی برای من است.

قول به هواداران

تقابل با تراکتور هیجان‌انگیز است

محمد قربانی از قرعه الوحده در رقابت‌های آسیایی و پیشنهاد استقلال می گوید

امیرحسین اعظمی | فصل جدید رقابت‌های لیگ امارات در حالی آغاز شد که الوحده با جذب چند بازیکن خودش را تقویت کرده است. این تیم احمد نورالالهی کاپیتان خودش را از دست داد ولی محمد قربانی همچنان پیراهن عنابی رنگ الوحده را بر تن خواهد کرد. او با وجود اینکه با چند پیشنهاد از تیم‌های ایرانی و امارات‌ی مواجه شد ولی با مخالفت باشگاه، ماندنی شد تا لیگ را با الوحده شروع کند. الوحده در لیگ نخبگان آسیا هم حضور دارد و جالب اینجاست که باید با تراکتور نماینده ایران روبه‌رو شود. قربانی در گفت‌وگو با همشهری، در مورد آخرین وضعیت الوحده به سؤالات پاسخ می‌دهد.

شرایط فعلی تیم صحبت می کنی؟

خوشبختانه وضعیت خوبی داریم و در نخستین بازی عجمان را شکست دادیم تا شروع خوبی داشته باشیم. ما یک اردوی بسیار خوب را در کشور آلمان پشت سر گذاشتیم، فضایی در آنجا انجام دادیم که باختی نداشتیم و ۲ بازی دوستانه هم بعد از بازگشت به امارات با العربی کویت و بن‌ماس انجام دادیم که باختی نداشتیم. تیم شرایط خوبی دارد و در هفته دوم هم با شباب الاهلی روبه‌رو می‌شویم.

شرایط خودت چطور است؟

خوب است. در بازی‌های دوستانه یک گل زدم و ۲پاس گل هم دادم. تمام تمرکز من روی این است که خواسته‌های کادر فنی را به بهترین شکل در زمین پیاده کنم.

سابقه کار کردن با ژوزه مورایس، کار تو را راحت‌تر می کند. درست است؟

خب، این مربی نقش مهمی در پیشرفت من داشت و طبیعتا با تفکرات این مربی آشنا هستم. امیدوارم در الوحده هم جواب اعتماد این مربی را بدهم.

فکر می‌کنی قدرت فنی الوحده نسبت به فصل گذشته بیشتر شده است؟

نمی‌توان قیاس کرد و هر فصلی شرایط خاص خودش را دارد. ما نورالالهی را از دست دادیم و کوین هم راهی النصر شد ولی ۷-۶ بازیکن هم به تیم ما اضافه شدند. حضور بازیکنانی مثل تادیچ و کایو می‌تواند به تیم ما کمک کند.

آیا می توان الوحده را در بین مدعیان قهرمانی لیگ امارات قرار داد؟

از حالا نمی‌توان پیش‌بینی خاصی انجام داد ولی قطعا تیم خوبی خواهیم داشت. ما تیم باکیفیتی داریم و رقابت بازیکنان در هر پست فشرده است، باید لیگ ادامه پیدا کند، نتایج خوبی بگیریم و شخصیت خودمان را نشان دهیم.

مثل اینکه تا همین یکی دو هفته پیش استقلال به شکل جدی دنبال جذب تو بود؟

بله، این باشگاه دنبال جذب من بود و حتی نامه رسمی هم به باشگاه الوحده ارسال کرد ولی مبلغ رضایتنامه من بالاست. همین باعث شد تا دیگر مذاکرات ادامه پیدا نکند. حتی من مدتی پیش از العین هم پیشنهاد داشتم ولی باشگاه با جدایی‌ام مخالف بود به همین دلیل مبلغی را به العین اعلام کرد که آنها منصرف شدند.

قرعه الوحده در لیگ نخبگان را چطور ارزیابی می‌کنی؟

قرعه خوبی است و بازی اول ما با الاتحاد در خانه است که امیدوارم بازی‌ها را با برد شروع کنیم. بازی دوم هم با تراکتور در تبریز است و قطعا این یک مسابقه هیجان‌انگیز برای من و بازیکنان النصر خواهد بود. تراکتور هواداران پرشوری دارد و بازی در استادیوم یادگار هیجان‌انگیز خواهد بود.

سردار آزمون هم به‌عنوان بهترین بازیکن سال لیگ امارات انتخاب شد. در این مورد چه نظری داری؟

در بین ۴ گزینه، ۲ نفر ایرانی بودند و این برای ما افتخار بزرگی است. من به سردار بابت کسب این عنوان تبریک می‌گویم، همینطور به مهدی قایدی که یک فصل خیلی خوب در لیگ امارات داشت.

در حال حاضر فرهاد مجیدی تنها مربی ایرانی شاغل در لیگ امارات است. فکر می‌کنی دیگر مربیان ایرانی هم می‌توانند در لیگ امارات فعالیت کنند؟

مربیگری در امارات خیلی سخت است، وقتی مربی نتیجه نگیرد خیلی زود برکنار می‌شود. فکر می‌کنم یکی دو مربی ایرانی هم بتوانند اینجا کار کنند ولی واقعا کار مربیان در فوتبال امارات سخت است. فرهاد مجیدی را هم در امارات دوست دارند و او شخصیت محبوبی است. مجیدی فصل قبل در الطائی نتایج خوبی گرفت و این تیم را در لیگ نگه داشت.

چند پیشنهاد برای تعطیلات

از امروز تا دوشنبه که دوباره سر کار برمی گردیم، چه مسابقات فوتبال مهمی برگزار می‌شوند؟

هفته دوم لیگ برتر انگلیس از جمعه با دیدار ووسته‌هم و چلسی در ساعت ۲۳:۳۰ آغاز می‌شود. شنبه ساعت ۱۵ بهترین بازی هفته را منچستریسیتی و تاتنهام برگزار می‌کنند. آرسنال ساعت ۲۰ با لیدز بازی دارد یکشنبه منچستریونایتد باید در زمین فولام به میدان برود. بازی نیوکاسل - لیورپول افتاده به دوشنبه که تعطیلی‌های ماهم تمام شده. ایساک از نیوکاسل می‌خواست به لیورپول برود و فورمزا حاضر بودند برای جذب او کورد را بکشند و ۱۵۰ میلیون یورو بدهند اما کلاغ‌ها قبول نکردند. ایساک غیرقابل فروش است اما هنوز مشخص نیست برای این بازی رودروی مشتری خودش قرار می‌گیرد یا نه، چون مدتی تمرینات را تحریم کرده بود.

بوندس‌لیگای این فصل به‌طور رسمی از روز جمعه آغاز می‌شود و چه اختتامیه‌ای بهتر از بازی بایرن مونیخ و لایپزیگ؟ این بازی را ساعت ۲۲ شب ببینید. فردای این مسابقه بایرلورکزن با سرمربی جدیدش (ریک تن‌هاگ) و رشد ستاره‌هایی مثل فریمیونگ و فلوریان ورتس و جاناتان تاه و ژاکا و خریدهای درهم و برهم خاص تن‌هاگ ساعت ۱۷ شنبه از خوفنهایم پذیرایی می‌کند. ساعت ۲۰ دورتموند در خانه سن‌پائولی استارت می‌زند.

سری آ همچنان جذاب است؛ شاید جذاب‌تر از فصل قبل. درست است که سیمونه اینتزاگی پس از دولیدو موفق در اینترمیلان به الهلال رفته، اما اگری بر گشته و هدایت آن میلان را در دست گرفته. نابولی با کوین دی‌بروینه تقویت شده و لوکامودریچ، محبوب همه هواداران فوتبال جهان به آن میلان آمده. مهدی طارمی با تیم امیدهای اینتر تمرین می‌کند تا تکلیف جدایی‌اش روشن شود. در فاصله‌های این فصل یوونتوس هم تقویت شده اما معلوم نیست با مربیگری ایگور تودور مدعی اصلی باشد. آلس رم جدایتش دوچندان شده، چون یک پیرمرد موفق راجانشین پیرمرد دوست‌داشتنی قبلی کرده‌اند. کلود رانیری به دوران بازنشستگی‌اش برگشت و جای خود را به گاسپرینی داده مردی که تیم کوچک آتالانتا را به یک تیم بزرگ تبدیل کرد. رم جزو مدعیان سهمیه لیگ قهرمانان خواهد بود. تیم‌های کومو با سک فابرگاس، فیورنتینا با کاتزو و بولونیا هم جزو تیم‌های درخشان فصل خواهند بود. سری آ از شنبه با دیدار جنوا - اچه و سالسولو - نابولی آغاز می‌شود. آث میلان - کرمونزه و رم - بولونیا هم شنبه بازی دارند. یوونتوس - پارما یکشنبه برگزار می‌شود.

بتیس و آلاوس هفته دوم لالیگا استارت می‌زنند. شنبه اتلتیکو و اچه ساعت ۲۱ و لوانته و یارسولوا ساعت ۲۳ بازی دارند. رئال ساعت ۲۳ یکشنبه‌مثب به خانه رئال اویدو می‌رود که به تازگی با کمک سانتی کاسورلا که به تیم دوران کودکی‌اش برگشته است، می‌رود.